



پیش‌ها و پانچ‌ها

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب به اشعری خراسانی حفظه الله تعالی



## موضوع:

۱. مقدمات؛ علم؛ ضرورت و چگونگی کسب علم (اجتهاد)
۲. مقدمات؛ حجت؛ خلیفه‌ی خداوند؛ طریقه‌ی شناخت خلیفه‌ی خداوند (معجزه و نص)

بسم الله الرحمن الرحيم

پرسش

نویسنده: عبد الله خراسانی

تاریخ: ۱۴۰۰/۶/۱۴

خواهشمندم به سؤالات زیر پاسخ بفرمایید:

۱. «الهام» به چه معناست؟
  ۲. آیا الهام به یک شخص، برای او یقین‌آور است؟
  ۳. چگونه می‌توان الهام را از وسوسه‌ی شیطان تمیز داد؟
  ۴. آیا الهام می‌تواند در خواب صورت بگیرد؟
- از اینکه وقت ارزشمندتان را برای هدایت ما صرف می‌کنید سپاسگزارم و از خداوند برایتان بهترین پاداش‌ها را مسئلت دارم.

پاسخ

تاریخ: ۱۴۰۰/۶/۲۶

لطفاً به نکات زیر توجه فرمایید:

۱. «الهام» در اصطلاح، به معنای حدوث یقین یا ظن یا گرایشی قلبی به حق بدون سببی عادی و آشکار است که از رحمت خداوند نشأت می‌گیرد و امری اختیاری محسوب نمی‌شود. بنابراین، حدوث یقین یا ظن یا گرایشی قلبی به باطل بدون سببی عادی و آشکار، الهام نیست، بل وسوسه است که از القاء شیطان نشأت می‌گیرد؛ همچنانکه حدوث یقین یا ظن یا گرایشی قلبی به حق با سببی عادی و آشکار مانند دیدن یا شنیدن یا خواندن چیزی که بر آن دلالت می‌کند، الهام نیست، بل تنبّه یا تفقّه است که مانند الهام، از رحمت خداوند نشأت می‌گیرد، ولی بر خلاف آن، امری اختیاری محسوب می‌شود.

[www.alkhorasani.com](http://www.alkhorasani.com)

بَیِّنَاتُ الْإِسْلَامِ مِنْ مَنَاصِبِهَا شَيْخُ خُرَاسَانَ حَفْظَةُ اللَّهِ تَعَالَى



البته الهام به معنای لغوی و عام، حدوث یقین یا ظن یا گرایش قلبی به هر چیزی بدون سببی عادی و آشکار را در بر می‌گیرد و از این حیث می‌توان آن را به «الهام الهی» و «الهام شیطانی» تقسیم کرد؛ مانند «وحی» که در قرآن به دو گونه‌ی الهی و شیطانی تقسیم شده؛ چنانکه درباره‌ی وحی الهی فرموده است: **﴿كَذَلِكَ يُوحِي إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكَ اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾**؛ «بدین سان خداوند عزیز حکیم به تو و به کسانی که پیش از تو بودند وحی می‌کند» و فرموده است: **﴿وَاتَّبِعْ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ﴾**<sup>۲</sup>؛ «و از چیزی پیروی کن که از پروردگارت به تو وحی می‌شود» و درباره‌ی وحی شیطانی فرموده است: **﴿وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ زُخْرَفَ الْقَوْلِ غُرُورًا﴾**<sup>۳</sup>؛ «و بدین سان برای هر پیامبری، شیاطین انس و جن را دشمن قرار دادیم که برخی سخنان آراسته را برای فریب به برخی دیگر وحی می‌کنند» و فرموده است: **﴿وَإِنَّ الشَّيَاطِينَ لَيُوحُونَ إِلَىٰ أَوْلِيَائِهِمْ لِيُجَادِلُوكُمْ وَإِنْ أَطَعْتُمُوهُمْ إِنَّكُمْ لَمُشْرِكُونَ﴾**<sup>۴</sup>؛ «و هراینه شیاطین به دوستان خود وحی می‌کنند تا با شما مجادله کنند و اگر از آنان اطاعت کنید، هراینه مشرک خواهید بود».

۲. الهام و وحی الهی، از این جهت با هم تفاوت دارند که وحی الهی، همیشه موجب یقین به حق می‌شود و هیچ گاه موجب ظن یا تنها گرایش قلبی به آن نمی‌شود و از این جهت، اخص از الهام الهی است. همچنین، وحی، اگرچه سببی عادی ندارد، سببی آشکار دارد؛ زیرا کسی که آن را دریافت می‌کند، آن را به وضوح می‌بیند یا می‌شنود و با این وصف، سبب یقینش بر او پوشیده نیست. از اینجا دانسته می‌شود که الهام، صرفاً یک ادراک یا گرایش ذهنی و درونی است و ماهیتی محسوس و بیرونی ندارد، در حالی که وحی، کاملاً محسوس و بیرونی است و صرفاً در ذهن و درون انسان نیست.

۳. الهام، هرگاه در حدّ ظن یا گرایش قلبی باشد، حجّیت ندارد؛ چراکه ظن و گرایش قلبی، ذاتاً حجّت نیستند؛ چنانکه خداوند پیروان آن دو را نکوهش کرده و فرموده است: **﴿إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَمَا تَهْوَى الْأَنْفُسُ﴾**<sup>۵</sup>؛ «آنان جز از ظن و چیزی که نفس‌ها به آن می‌گیرند، پیروی نمی‌کنند»، بلکه الهام، هرگاه در حدّ یقین باشد نیز به ذات خود حجّیت ندارد؛ چراکه سبب یقین در آن معلوم نیست و خداوند فرموده است: **﴿وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ﴾**<sup>۶</sup>؛ «و از چیزی که به آن علمی نداری، پیروی نکن». الهام، هرگاه الهی باشد، تنها از این جهت مفید است که موجب مطالعه و تحقیق درباره‌ی حق بدون کراهت و بدگمانی می‌شود و این شناخت آن را بسیار

۱. الشوری / ۳

۲. الأحزاب / ۲

۳. الأنعام / ۱۱۲

۴. الأنعام / ۱۲۱

۵. النجم / ۲۳

۶. الإسراء / ۳۶



آسان می‌کند و سرعت می‌بخشد؛ با توجّه به اینکه کراهت و بدگمانی نسبت به حق پیش از مطالعه و تحقیق درباره‌ی آن، از مهم‌ترین موانع شناخت آن است و در بهترین حالت ممکن، شناخت آن را دشوار می‌کند و به تأخیر می‌اندازد. از این رو، هرگاه خداوند خیر بنده‌ای را بخواهد، حقّانیت حق را به او الهام می‌فرماید؛ به این معنا که یقین یا ظن یا گرایش به آن را در دل او می‌اندازد، تا به آسانی و سرعت آن را بشناسد و بپذیرد. این تنها فایده‌ی الهام الهی در رابطه با امور نظری و دینی است، ولی الهام الهی در رابطه با امور عملی و دنیوی نیز ممکن است و واقع می‌شود؛ مانند یقین یا ظنّ به پیش آمدن یک حادثه‌ی بد یا خوب در حال یا آینده و مانند گرایش قلبی به یک معامله‌ی پرسود و مانند کراهت یا ترس از کسی که نیت بدی در سر دارد. این نیز الهامی الهی است که گاه از آن با نام «فراست» یاد می‌شود و فایده‌اش آمادگی برای مواجهه با حادثه و دوری جستن از ضرر است؛ چنانکه در حدیثی از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آمده است: «اتَّقُوا فِرَاسَةَ الْمُؤْمِنِ، فَإِنَّهُ يَنْظُرُ بِنُورِ اللَّهِ، ثُمَّ قَرَأَ: ﴿إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْمُتَوَسِّمِينَ﴾»<sup>۱</sup>؛ «از فراست مؤمن برحذر باشید؛ چراکه او با نور خداوند می‌نگرد، سپس این آیه را قرائت فرمود: >هرآینه در آن نشانه‌هایی برای تیزبینان است<».

۴. خواب به معنای رؤیا، الهام محسوب نمی‌شود؛ چراکه صرفاً یک ادراک یا گرایش ذهنی و درونی نیست، بل چیزی است که در غیر بیداری، دیده و شنیده می‌شود و از این رو، می‌توان آن را چیزی در میان الهام و وحی دانست. به همین دلیل، علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی، در تبیین چگونگی آگاه شدن امام از اعمال پنهان مردم می‌فرماید: «يُرِيهِ فِي الْمَنَامِ، أَوْ يُلْهِمُهُ إِلَهَامًا»<sup>۲</sup>؛ «(خداوند) در خواب نشانش می‌دهد، یا به او الهام می‌کند»؛ یعنی میان خواب و الهام فرق می‌گذارد.

۵. حَجَّيْتُ خواب، از حَجَّيْتُ بیننده یا تعبیرکننده‌ی آن تبعیت می‌کند. بنابراین، خواب کسی که حَجَّيْتُ او در بیداری معلوم شده، حَجَّت است؛ مانند خواب ابراهیم علیه السلام که خداوند درباره‌اش فرموده است: «فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ قَالَ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانْظُرْ مَاذَا تَرَىٰ قَالَ يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِن شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ»<sup>۳</sup>؛ «پس چون (اسماعیل)

۱. الحجر / ۷۵

۲. مسند أبي حنيفة رواية الحصكفي، كتاب التفسير، الحديث ۳؛ فتوح الشام للواقدي، ج ۲، ص ۱۹۴؛ التاريخ الكبير للبخاري، ج ۷، ص ۳۵۴؛ المحاسن للبرقي، ج ۱، ص ۱۹۱؛ تاريخ ابن أبي خيثمة (السفر الثالث)، ج ۱، ص ۳۱۸؛ سنن الترمذي، ج ۵، ص ۲۹۸؛ بصائر الدرجات للصفار، ص ۱۰۰ و ۳۷۵؛ جامع البيان عن تأويل آي القرآن للطبري، ج ۱۴، ص ۹۶ و ۹۷؛ تفسير العياشي، ص ۲۴۷؛ تفسير القرآن العظيم لابن أبي حاتم، ج ۷، ص ۲۷۰؛ الكافي للكليني، ج ۱، ص ۲۱۸؛ المعجم الكبير للطبراني، ج ۸، ص ۱۰۲؛ أمثال الحديث لأبي الشيخ الأصبهاني، ص ۱۶۴ و ۱۶۵ و ۱۶۶؛ علل الشرائع لابن بابويه، ج ۱، ص ۱۷۳ و ۱۷۴؛ عيون أخبار الرضا لابن بابويه، ج ۲، ص ۲۱۶

۳. گفتار ۱۸۴، فقره ۳

۴. الصّافات / ۱۰۲



با او به (سنّ) کوشش رسید گفت: پسرکم! من در خواب می بینم که تو را ذبح می کنم، پس بنگر که نظرت چیست، گفت: ای پدر! کاری که به آن امر می شوی را انجام بده، ان شاء الله من را از صابران خواهی یافت» و مانند خواب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم که خداوند درباره اش فرموده است: **«لَقَدْ صَدَقَ اللَّهُ رَسُولَهُ الرُّؤْيَا بِالْحَقِّ لَتَدْخُلَنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ آمِنِينَ»**<sup>۱</sup>؛ «هرآینه خداوند خواب پیامبرش را راست گردانده است، به خواست خداوند حتماً با امنیّت به مسجد الحرام وارد خواهید شد». همچنین، خواب کسی که حجّیّت او در بیداری معلوم نشده، ولی کسی که حجّیّت او در بیداری معلوم شده، آن را تأیید و تعبیر کرده، حجّت است؛ مانند خواب فرعون که یوسف علیه السلام آن را تأیید و تعبیر کرد<sup>۲</sup>، ولی خواب دیگران حجّت نیست؛ چراکه اشتباه آنان در خواب، مانند اشتباه آنان در بیداری، ممکن و شایع است و با این وصف، نه تنها برای سایر مردم، بلکه برای خودشان نیز حجّیّت ندارد، خصوصاً در رابطه با عقاید یا احکام دین؛ چنانکه در حدیث معتبری از اهل بیت آمده است: **«إِنَّ دِينَ اللَّهِ أَعَزُّ مِنْ أَنْ يَرَى فِي النَّوْمِ»**<sup>۳</sup>؛ «هرآینه دین خداوند استوارتر از آن است که در خواب دیده شود».

آری، اگر دیگران خوابی ببینند که دلیل قطعی برای صحت آن وجود دارد، می توانند به خواب خود اخذ کنند و دلیل قطعی برای صحت آن، خبر آن از واقعیّتی محسوس در بیداری است که مطلقاً برای آنان معلوم نبوده است؛ مشروط به اینکه معنای خواب، با قطعیات عقلی و شرعی منافات نداشته باشد؛ چراکه اگر معنای آن با قطعیات عقلی و شرعی منافات داشته باشد، خبر آن از واقعیّتی محسوس در بیداری که مطلقاً برای آنان معلوم نبوده، جنبه‌ی فتنه و آزمایش داشته است، تا معلوم شود که کدامشان از قطعیات عقلی و شرعی پیروی می کند و کدامشان از خوابی که با آن‌ها منافات دارد. این در صورتی است که تعبیر خواب به گونه‌ای سازگار با قطعیات عقلی و شرعی، ممکن نباشد؛ زیرا در غیر این صورت، باید آن را به گونه‌ای تعبیر کرد که با قطعیات عقلی و شرعی سازگار است؛ چنانکه در ضمن خبری از علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی آمده است:

**«قَالَ: لَا تَأْخُذُوا بِالْمَنَامِ إِلَّا إِذَا كَانَ مَعَهُ آيَةٌ بَيِّنَةٌ، فَقَالَ رَجُلٌ: جُعِلْتُ فِدَاكَ، إِنِّي رَأَيْتُ فِيكَ مَنَامًا كَانَ مَعَهُ آيَةٌ بَيِّنَةٌ، أَتَأْذَنُ لِي أَنْ أَحْكِيهَ؟ قَالَ: نَعَمْ، قَالَ: إِنِّي رَأَيْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فِي الْمَنَامِ قَبْلَ أَنْ أُعْرِفَكَ، فَقَالَ لِي: إِنَّ الْمَهْدِيَّ سَاكِنٌ فِي بَلَدِكُمْ وَأَنْتُمْ عَنْهُ غَافِلُونَ! قُلْتُ: وَأَيْنَ هُوَ؟ قَالَ: اثْبَتِ مَدِينَةَ كَذَا وَسُوقَ كَذَا وَدَارَ كَذَا! فَاتَّبَعْتُهُ فَوَجَدْتُهُ دَارَكَ! قَالَ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنِي مِنَ الْمَهْدِيِّينَ، وَلَمْ يَجْعَلْنِي مِنَ الصَّالِينَ»**

۱. الفتح/ ۲۷

۲. بنگرید به: سوره‌ی یوسف، آیات ۴۳ تا ۴۹.

۳. الکافی للکلینی، ج ۳، ص ۴۸۲؛ علل الشرائع لابن بابویه، ج ۲، ص ۳۱۲. همچنین، بنگرید به: فقره‌ی ۵ از گفتار ۵۷ علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی.

**الْمُضِلِّينَ**»<sup>۱</sup>؛ «فرمود: به خواب اخذ نکنید مگر هنگامی که به همراه آن آیتی بینه باشد، مردی گفت: فدایت شوم، من درباره‌ی تو خوابی دیدم که به همراه آن آیتی بینه بود، آیا اذن می‌دهی که آن را نقل کنم؟ فرمود: آری، گفت: من پیش از آنکه تو را بشناسم، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را در خواب دیدم، پس به من فرمود: هرآینه مهدی در سرزمین شما ساکن است، در حالی که شما از او غافل هستید! گفتم: او کجاست؟! فرمود: برو به فلان شهر و فلان خیابان و فلان خانه! پس به آنجا آمدم و دیدم که خانه‌ی توست! منصور فرمود: سپاس می‌گزارم خداوندی را که من را از هدایت‌یافتگان قرار داد و از گمراهان و گمراه‌کنندگان قرار نداد».

این خبر آموزنده یادآور می‌شود که اولاً خواب افراد غیر معصوم، بدون دلیل قطعی برای صحت آن، قابل اخذ نیست و ثانیاً دلیل قطعی برای صحت آن، خبر از واقعیتی محسوس در بیداری است که مطلقاً برای بیننده‌ی آن معلوم نبوده است و ثالثاً خوابی که دلیل قطعی برای صحت آن وجود دارد، باید به گونه‌ای تعبیر شود که با قطعیات عقلی و شرعی سازگار است؛ چنانکه علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی خواب آن مرد درباره‌ی اینکه او «مهدی» است را این گونه تعبیر فرمود که او مردی «هدایت‌یافته» است، نه اینکه همان امام مهدی علیه السلام است.



بایکاه اطلاع بر سیدالافتی منصور هاشمی خراسانی  
 جیش لایحکومیه بر مشرفا



۱. گفتار ۱۹، فقره‌ی ۵

www.alkhorasani.com

بایکاه اطلاع بر سیدالافتی منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی



\* لطفاً بر روی لینک مورد نظر خود کلیک کنید.